

بررسی جایگاه گفتمان چپ بر راهبرد سنتی در حوزه‌های هنری

چکیده

حوزه‌های هنری به عنوان مراکز تمرکز فعالیت‌های هنری در دوره معاصر تبدیل به یکی از نهادهای مهم در انتشار تحولات ایدئولوژیک شدند. در این میان، گفتمان چپ در دوره پهلوی تبدیل به یکی از مهمترین گفتمان‌های حاکم بر فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران گردید. مسئله‌ای که می‌توان اینجا مطرح کرد چگونگی رویکرد گفتمان چپ به حوزه‌های هنری است. روش تحقیق در پژوهش حاضر براساس هدف پژوهش به روش‌های بنیادی و کاربردی تقسیم می‌شود. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی می‌باشد، همچنین با توجه به هدف اصلی پژوهش به لحاظ ارتباط بین متغیرها این پژوهش توصیفی با رویکرد تحلیلی به شمار می‌آید. به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم تأثیر متغیرها برهم را بررسی می‌نماید. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بنیان‌های نظری و ایدئولوژیک در حوزه‌های هنری و سیاسی تلاش می‌کرد، بدین وسیله مشروعیت سیاسی خود را تأمین کند. فعالان سیاسی و اعضای دیوان‌سالار و افراد وابسته به هیأت حاکم و گفتمان چپ دارای ویژگی‌ها و خصایصی بودند که بخشی از آن محصول نظام سیاسی بود. به عبارت دیگر، در طبقه حاکم عصر پهلوی نوع خاصی از «فرهنگ سیاسی» وجود داشت که می‌تواند بخشی از رفتارهای حاکمان و سیاست‌های حکومت در این مقطع تاریخی را تبیین کند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی جایگاه گفتمان چپ بر راهبرد سنتی در حوزه‌های هنری.
۲. بررسی وضعیت حوزه‌های هنری در دوره پهلوی.

سوالات پژوهش:

۱. گفتمان چپ در دوره پهلوی چه راهبردی نسبت به حوزه‌های هنری داشت؟
 ۲. حوزه‌های هنری در دوره پهلوی چه وضعیتی داشتند؟
- کلیدواژه‌ها:** گفتمان چپ، راهبرد سنتی، حوزه‌های هنری، دوره پهلوی.

مقدمه

یکی از گفتمان‌هایی که در دوره پهلوی رایج شد، گفتمان چپ بود. گفتمان چپ در دوره سلطنت پهلوی در شرایطی در سال ۱۳۰۴ ش. پایه‌گذاری شد که با بدعت‌های فراوانی در تاریخ سیاسی ایران همراه بود. بخش عمده‌ای از این بدعت‌ها ریشه در تحولات اجتماعی ایران داشت که اجازه چنین کاری را می‌داد. به‌طور نمونه برای نخستین‌بار بود که حکومتی از طریق غیر سنتی به قدرت می‌رسید. در تاریخ گذشته ایران حکومت‌ها اغلب از طریق رقابت ایل‌ها و قوم‌های گوناگون جابه‌جا می‌شدند. ایل و تباری که قدرت افزون‌تری داشت می‌توانست حکومت مرکزی را به دست گیرد. حکومت قاجار آخرین این حکومت‌ها بود. حکومت‌های سنتی گرچه با زور شمشیر به قدرت می‌رسیدند اما برای بقا و مشروعیت خود در نزد عامه از فلسفه‌های سیاسی معطوف به دین بهره می‌بردند. به‌طور نمونه پادشاهان قاجار خود را «ظل‌الله» می‌نامیدند. با ایجاد حکومت پهلوی تحولاتی در فلسفه سیاسی ایجاد حکومت در ایران به وجود آمد. در سال ۱۳۰۴ ش. رضاخان مسیری متفاوتی را برای رسیدن به حکومت طی کرد و به فراخور این تحول، در فلسفه وجود حکومت خود نیز نیازمند ایدئولوژی متفاوت‌تری گردید. او که پله‌های دستیابی به قدرت را از «فراق‌خانه» آغاز کرده بود، طریقی را پیمود که ساز و کار آن را بیگانگان طراحی کرده بودند. رضاخان که شخصیتی نظامی داشت و از این طریق قدرت سیاسی را به دست آورد، با کودتای اسفند ۱۲۹۹ و تحولات پس از آن قدرت سیاسی خود را با کمک نیروهای انگلیسی افزایش داد و در نهایت در سال ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری و تأسیس حکومت پهلوی را به‌طور رسمی انجام داد. این تحولات در ایجاد گفتمان چپ در ایران تأثیرگذار بود. این گفتمان عرصه‌های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار داد. حوزه هنر نیز این تحولات برکنار نبود لذا در این جستار، تأثیر گفتمان چپ در این دوره بر حوزه هنری مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است اما آثاری به‌صورت پراکنده به بررسی مقوله نوگرایی هنر در دوره پهلوی پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش جریان‌های فکری و حکومتی در رویکرد ملی‌گرایانه نقاشی نوگرایی ایران در دوره پهلوی» توسط حسینی‌راد و خلیلی (۱۳۹۱) به رشته تحریر در آمده است و نویسندگان برآنند که در هنر نقاشی در این دوره تاریخی عواملی چون تحولات سیاسی، فکری، جهت‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی نقش مهمی در نوگرایی و ایجاد تحول در هنر و نقاشی این دوره داشته است. سه رویکرد چپ‌گرایانه، ملی‌گرایانه و اسلام‌گرایانه در کنار اقدامات حکومتی در این تحول نقش داشته‌اند. با این حال، در این اثر به چگونگی تأثیر گفتمان چپ بر حوزه هنری پرداخته نشده است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «تأثیر جنبش هنر نو در معماری دوره پهلوی اول» به قلم پاشایی کمالی (۱۳۹۷) به رشته تحریر درآمده است. نویسندگان معتقد است جنبش هنری در دوره پهلوی ماحصل دگرگونی در ساختار اجتماعی، رویکردهای زیبایی‌شناختی و عوامل خارجی بوده. در این اثر نیز اشاره مستقیمی به بحث تأثیر گفتمان چپ بر حوزه هنری در دوره پهلوی نشده است لذا نگارنده بر آن است تا در این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی این تأثیر و ابعاد آن بپردازد.

نتیجه‌گیری

بررسی شکل‌گیری گفتمان چپ در ایران و علل وجودی آن نشان می‌دهد که جنبش و گفتمان چپ در ایران ابتدا نه در تقابل با سرمایه‌داری، بلکه در مقابل فئودالیسم و در حمایت از کارگران بخش‌های غیرصنعتی شکل گرفت، زیرا اساساً نه نظامی سرمایه‌داری شکل گرفته بود و نه طبقه کارگر صنعتی. جامعه ایران پیش از این و طی قرن‌ها، جنبش ضد فئودالی را به نمایندگی مزدکیان، خرم‌دینان، شیعیان و ... تجربه کرده بود. نخستین بارقه‌های اندیشه سوسیالیستی در آثار برخی روشنفکران صدر مشروطه از جمله میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف تبریزی نمایان شد، اما این نه به معنای شکل‌گیری یک جریان و نه طرح یک گفتمان بود. صحبت از سوسیالیسم در مکتوبات سیاسی این دوره تنها در حد مترقی دانستن یک اندیشه بود و نه بیشتر. پایه‌های نخستین ایجاد و گسترش گفتمان سوسیالیستی و در ایران تنها پس از ظهور گروه‌ها و احزاب سوسیال دموکرات بنیان نهاده شد. آشنایی اولیه ایرانیان با اندیشه با فعال شدن گروه‌ها و احزاب سوسیال دموکرات، اگرچه محدود، آغاز شد و شکل‌گیری این جریان به طرح گفتمان اولیه چپ در ایران انجامید. این گفتمان از دو راه نفوذ خود را آغاز کرد؛ اول، آمیختگی اندیشه سوسیالیستی با برنامه‌های حزبی و تشکیلاتی و دوم، ترویج تئوریک این اندیشه از طریق مطبوعات حزبی و مکتوبات ایدئولوژیک. اندیشه چپ به طور عمده تحت تأثیر مکتب چپ روسیه به ایران نفوذ کرد، بنابراین خط غالب گفتمان چپ ایران تا مدت‌ها متأثر از این مکتب باقی ماند. گفتمان چپ به صورت نیم بند در ایران شکل گرفت و عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار داد. در این میان عرصه هنر و حوزه هنری از این تأثیر دور نماند. بدین طریق مشاهده می‌گردد که در برنامه‌ریزی‌های مربوط به حوزه هنری تأثیر گفتمان چپ مشاهده می‌شود.

منابع:

- آذریون، فاطمه؛ اکبری، مجید. (۱۳۹۵). «تعامل ادبیات و هنر با جامعه از منظر آدرنو». دو فصلنامه فلسفی شناخت، شماره ۱، ۲۲۱-۷.
- آشتیانی، اسماعیل. (۱۳۵۸). «محمدغفاری (کمال الملک)». وحید، شماره ۲۶۲ و ۱۸، ۲۶۳-۱۰.
- احمدی، محمدعلی. (۱۳۹۶). گفتمان چپ در ایران. تهران: نشر ققنوس.
- ادیبی، محمدحسین. (۱۳۵۸). طبقه متوسط جدید در ایران. تهران: علمی.
- اسدی، مرتضی؛ نادعیان، احمد (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر ایدئولوژی و تفکر سیاسی در به کارگیری عناصر تصویری نقاشی انقلاب اسلامی». نگره، شماره ۲۵، ۸۸-۶۵.
- اسماعیل زاده، خیزران؛ شاد قزوینی، پریسا. (۱۳۹۶). «نقش گفتمان‌های متأثر از ملیت در برساخت گرایش‌های هنر نوگرای ایران عصر پهلوی، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، شماره ۱، ۱۳.
- یوانف، میخاییل. (۱۳۸۰). تاریخ نوین ایران. تهران: اسلوج.

پاشایی کمالی، فرشته. (۱۳۹۷). «تأثیر جنبش هنر نو در معماری دوره پهلوی اول». اولین کنفرانس ملی پژوهش های نوین معماری و شهرسازی در هزاره سوم.

جباری، غلامحسین. (۱۳۳۴). «در پیرامون این مجله». نقش و نگار، شماره ۱، ۲.

حاتم، جمشید. (۱۳۸۱). تک چهره های قاجار. پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

خاکسار، علی. (۱۳۸۸). «فرماسیون موسیقایی: بررسی و نقد موسیقی سنتی ایران با رویکردی به سنت موسیقایی ایرانی». دو فصلنامه جامعه شناسی هنر و ادبیات، شماره ۱، ۲۰-۱۰.

خسروپناه، محمدحسین. (۱۳۷۷). سازمان افسران حزب توده ایران ۱۳۳۳-۱۳۲۳. تهران: شیرازه.

دلیری، کاظم سام؛ شهبازی، بهروز. (۱۳۹۱). «انقلاب؛ چرا و چگونه بازخوانی ایدئولوژی انقلابی احزاب چپ دوره پهلوی». جامعه شناسی تاریخی، شماره ۱: ۲۳-۱.

صادقی، شمس‌الدین؛ محمدی، سلمان. (۱۳۹۴). «جریان چپ، دیالکتیک روشنفکری و انقلاب اسلامی ایران». پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۵، ۱۶۷-۱۴۷.

فراشاهی نژاد، یاسر. (۱۳۹۸). «پژوهشی در مبانی فکری نظریه ادبی حزب توده ۱۳۱۰-۱۳۳۰». ایران نامگ، شماره ۱، صص ۸۵-۱۹۰.

قرلسفلی، محمدتقی. (۱۳۸۸). «زیبایی شناسی و سیاست؛ بازتاب سیاست در رویکرد رئالیستی به هنر». پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۱، ۱۹۷-۱۶۷.

عبدی، فرانک. (۱۳۹۸). «شکل‌گیری گفتمان تعهد در نقاشی دوران پهلوی دم». ششمین همایش ملی با عنوان هنر متعهد در ایران معاصر، تهران.

کسری، نیلوفر. (۱۳۸۰). زنان ذی نفوذ خاندان پهلوی. چاپ دوم، تهران: نامک.

مرکز بررسی اسناد تاریخی. (۱۳۸۸). زنان دربار به روایت اسناد ساواک؛ فرح پهلوی، جلد دوم. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.

مریدی، محمدرضا؛ تقی زادگان، معصومه. (۱۳۹۱). «گفتمانهای هنر ملی در ایران». فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۹، ۱۶۰-۱۳۹.